

قضیه بیخ پیدا کرد ...

قضیه تنها شرط انتخاباتی ما



● ما کاری با این حرف‌ها نداریم / یک شرط بیشتر برای انتخابات هم نداریم - ما می‌گوییم هرکی می‌خواهد رئیس‌جمهور بشود در ایران / دوماه قبلش بیاید پیش ما و بشود مدیر ساختمان / اگر توانست همین چندتا واحد را واقعا بچرخاند / آن هم در ساختمانی که چندتا دکتر و مهندس توی مدیریتی و امانده‌اند / ما حتما رای می‌دهیم بهش اگر آب ساختمان هی نشد قطع / هرروز هم آشغال نریخته بود توی راهروها و پله‌ها را نکرده بود هم‌سطح / برق هم اگر هی نرفت و گاز کم و زیاد نشد و شوفاز ریپ نزد / همسایه‌ها با هم دوست ماندند و نصفه‌شبی کسی توی پارکینگ هی جیغ نزد / لوله‌ها ترکید و لوله‌های ترکیده نکرد دیگر چکه / آقازاده همسایه باز نداشت توی چاه پارکینگ یک عالمه سکه / چاه گیر نکرد و اگر گیر کرد کم‌کم شدش باز / فشار آب خوب شد و به طبقه‌های بالا هم رسید به‌راحتی گاز / همسایه‌ها هی نکردند پشت‌هم گله‌گذاری / توی پارکینگ امنیت برقرار شد از دست موش‌ها، با تله‌گذاری / حريم خصوصی شد یک مسئله عمومي / همسایه‌ها ملاحظه هم را کردند مثل حمام عمومي / خلاصه...

هرکی کاندیدا شد برای ریاست‌جمهوری / قبلش بیاید و بشود مدیر ساختمان ما خیلی فوری / اگر ساختمان ما در عرض چهار هفته نخواید / سکان کشور را می‌شود چهارسال دست او دید / ما که مطمئنیم این رئیس‌جمهورها و کاندیداها / چه پرونده داشته باشند چه نه، چه خوب باشند چه بد، نمی‌توانند باشند مدیر یک ساختمان حتی / مدیریت ساختمان، ریاست‌جمهوری نیست و نیاز به تخصص دارد / مثل پیتزا که نیاز به سس دارد / خلاصه اینها حتی اگر بودند مدیر خوب ساختمان یا حتی یک گروه در تلگرام! / بیایند ما بهشان رای بدهیم وگرنه خداحافظ و والسلام.

روایت

موزه‌های واژگون



● به‌تازگی برای دیدن آثار تاریخی بار دیگر به ایران اسفر و در برخی آثار تاریخی دیدار کردم. تعداد کمی از آثار تاریخی و موزه‌ها در حالت و وضعیت خوبی هستند؛ اما بعضی از این آثار تاریخی به حال خود رها شده‌اند تا به تدریج بر زمین فروریزند. در بعضی از آنها هم فقط یک سرباز میراث فرهنگی ساکن است. در جاهای بسیاری که باید برای دیدار از موزه بلیت تهیه کرد، بلیتی به بازدیدکننده نمی‌دهند و در نتیجه این احتمال وجود دارد که فروشنده پول را در جیب خودش بگذارد.

در بعضی جاهای دیگر هم به بعضی‌ها بلیت می‌فروشند و بعضی‌ها را آزاد می‌گذارند تا بدون بلیت، از موزه بازدید کنند. بعضی از موزه‌ها بسته بودند، درحالی‌که کارمندان آن نشسته و در حال تخمه‌شکستن و جای‌خوردن بودند.

اسفناک‌ترین وضع را در موزه بابل دیدم که کارمندان یا بازدیدکنندگان به آجرها و موزاییک‌های صحن حیاط موزه هم رحم نکرده و آنها را کنده بودند. سیم‌ها از هر طرف آویزان بود و لوله‌های لاستیکی آب در کف حیاط با



سیمان پوشانده شده بود. ولی اسفناک‌ترین منظره دیدن تابلوهای واژگون و زمین‌افتاده میراث فرهنگی بود که در آن برای کسانی که به تخریب آثار تاریخی و فرهنگی دست بزنند، تعیین مجازات شده بود و نیز تابلوهای راهنمایی بود که باید بازدیدکنندگان را به بنای تاریخی هدایت کند.

برجی نیز شبیه کنبد کاووس در شهر بندر گز دیدم که مجتمع اقتصادی کمپته امداد آن را به حراج گذاشته بود. نمی‌دانم آن برج، یک اثر تاریخی است یا باقی‌مانده یک کارخانه؛ اما حتی اگر باقی‌مانده یک کارخانه هم باشد، به دلیل اینکه داخل شهر قرار دارد، بسیار بجا است که آن را به یک موزه تبدیل کنند. اینها را به‌عنوان یک گردشگر و ایرانگرد دلسوز نوشتم تا بلکه مدیران میراث فرهنگی کمی از وقت جای‌خوردن خود را صرف رسیدگی به میراث فرهنگی ایران و احیانا نصب این تابلوها کنند.

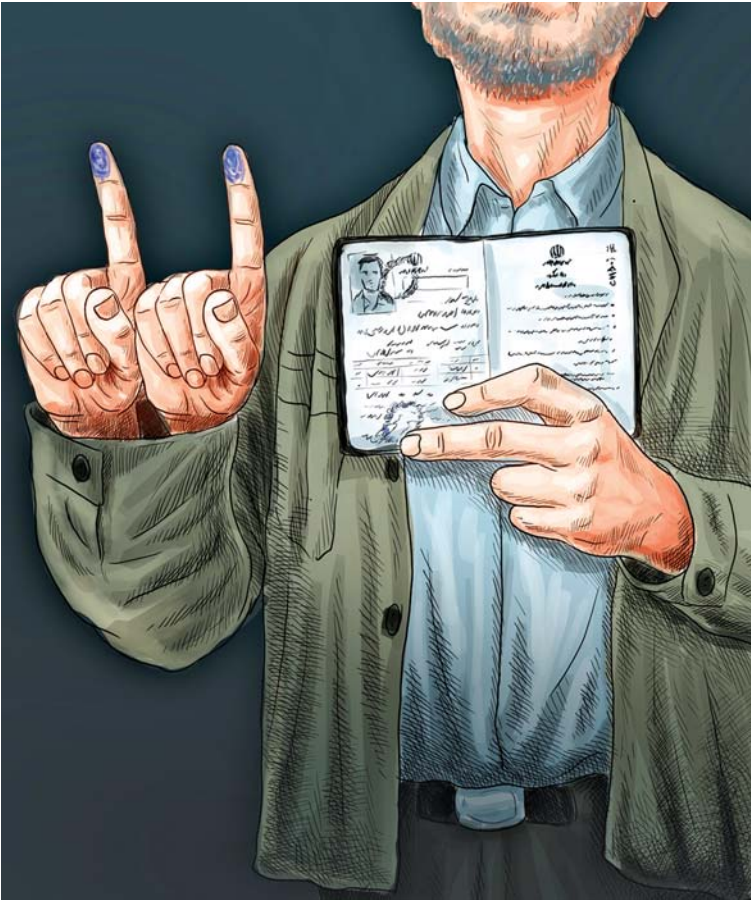
روزنامه شتر

پنجشنبه ● ۲۴ فروردین ۱۳۹۶ ● ۱۵ رجب ۱۴۳۸ ● ۱۳ آوریل ۲۰۱۷ ● سال چهاردهم ● شماره ۲۸۳۸ ● ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ ● اذان مغرب ۱۹:۵۴ ● اذان صبح فردا ۵:۰۵ ● طلوع آفتاب ۶:۳۲

روزنفرها

کارتون خواب

جلال پیرمرز آباد



تجربه ایرانی

روزنامه‌نگاری و مبارزه با فساد

گیسو ففغوری

بهبود روزنامه‌نگاری در ایران بنویسیم. قرار نیست به یاد هم بیاوریم از آخرین باری که به طور جدی مقالات و گزارش‌ها بررسی شده‌اند، سال‌ها می‌گذرد. اما در کمال امداری می‌توان این آرزو را داشت که در این زمینه گشایشی ایجاد شود اما تا آن زمان باید به فرصت‌های دیگر توجه کرد. مثلا دیروز عباس عبدی و احمد توکلی در نامه‌ای مشترک به اهمیت مبارزه با فساد پرداخته‌اند و در این زمینه به نقش رسانه‌ها توجه ویژه کرده‌اند. در این نامه آمده است: «نهادهای مدنی، حاکمان و کارگزاران سالم و مردمی، بدون رسانه‌ها نمی‌توانند وظیفه خود را به درستی انجام دهند. جزء اصلی رسانه نیز روزنامه‌نگار است. در عرصه‌ای که دولت و مردم گرفتار آن هستند؛ روزنامه‌نگاری که صدقانه و متعهدانه به شفافیت فضای عمومی کمک می‌کنند، هم مردم را به آگاهی لازم برای نظارت صحیح و امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر مجهز می‌سازند و هم زمینه‌های فساد را کاهش می‌دهند. شفافیت، راه پیشگیری و مقابله با فساد و رسیدن به عدالت است. شفاف‌سازی و آگاهی‌بخشی کار روزنامه‌نگاران متعهد و شجاعی است که در رسانه‌های مکتوب یا مجازی به مجاهدت مشغول‌اند. اگر آزادی این نیروها به درستی تأمین نشود و موانع از سر راه بزرگ‌ترین واجب الهی یعنی امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر نسبت به مسئولان برداشته نشود، باید منتظر عمیق‌ترشدن لایه‌های موجود فساد و بروز فسادهای آشکار و پنهان بزرگ‌تری باشیم که وقتی دُمِل چرکین آنها سر برآز کنند. این مجاهدت همواره باید در چارچوب قانون صورت گیرد. بهترین کمک برای خدمتگزاران واقعی در دستگاه‌های رسمی است». آنان پیشنهاد کرده‌اند: «برای بزرگداشت همت این گروه وطن‌دوست و مردم‌گرا، دیده‌بان شفافیت و عدالت پیش‌قدم شده است تا در حرکتی خدایسندانه، به مدیریت امضاکنندگان این بیانیه، پنج روزنامه‌نگار و پنج رسانه برتر در عرصه شفافیت و مبارزه با فساد را شناسایی کند.

پایان آن در روز خبرنگار (۱۷ مردامده) خواهد بود که طی مراسمی از روزنامه‌نگاران برگزیده با تقدیم جوایزی تجلیل خواهد شد». در بخشی از این نامه یادآوری شده است: «مبارزه با فساد سیستمی و شبکهای، مبارزه دشواری است» و در انتها از روزنامه‌نگاران و رسانه‌هایی که در این زمینه آثاری داشته‌اند دعوت کرده‌اند آثارشان را تا ۲۰ اردیبهشت، ارسال کنند. خلق اثر باید در فاصله آغاز سال ۱۳۹۰ تا پایان ۱۳۹۵ باشد. شاید این گامی در جهت مبارزه با فساد سیستمی باشد.



کلیدی‌ترین مسئله امروز ما، مسئله «عقلانیت» است و اگر این عقلانیت، بدل به سازوکار زندگی روزمره تک‌تک ما شود و در لحظه‌های سرنوشت‌ساز هر انتخابی آن را همراه خود داشته باشیم، نه‌تنها در یک حوزه خاص مثل سیاست، مترقی و دارای حرکتی رو به جلو خواهیم شد بلکه در دیگر شئون زندگی فردی و اجتماعی هم شاهد حل بسیاری از معضلات و کاهش بسیاری از آسیب‌ها خواهیم بود. اما هر گاه بحث انتخابات- خصوصا انتخابات ریاست‌جمهوری- در کشور مطرح می‌شود، مسئله عقلانیت، اهمیتی چندجانبه به خود می‌گیرد چراکه

مهر خرد

لطفا نخوانید



خیلی خنده‌دار است؟ تماشای پیرمردی کفن‌پوش، مردی سنگین‌وزن که هم‌وردی قاج‌تر از خودش را می‌طلبد، خانمی که مدعی است ایده برجام را از او زده‌اند، جوانکی که نمی‌داند برنامه چیست، مردی که می‌خواهد با ترامپ مسابقه شنا دهد و... . اینها، نمونه‌هایی از رفتارها و گفته‌های نامتعارفی هستند که از برخی داوطلبان ریاست‌جمهوری هنگام ثبت‌نام در وزارت کشور بروز یافته و در رسانه‌های رسمی و غیررسمی داخل و خارج منعکس شده و بیش از هرچیز، اسباب تفتن جماعت زیادی از مخاطبان را فراهم کرده است. اما دوباره می‌پرسم: خیلی خنده‌دار است؟

همه‌جای دنیا انواع آدم‌ها با میزان مختلفی از بهره‌های هوشی، سواد، پیش، درایت اجتماعی و... وجود دارند. در بسیاری از ممالک، شیفتگان شهرت دست به هرکاری می‌زنند تا لحظاتی در دوربین رسانه‌ها حضور داشته باشند. در کشورهای زیادی، هستند افرادی که با ایجاد موقعیت‌های غریب، دیگران را به تعجب و خنده وامی‌دارند، اما هیچ جای دنیا، قوانین را جوری تنظیم نمی‌کنند تا هر چهار سال یک‌بار، جماعتی که به هر دلیلی دست به رفتارهای نامتعارف می‌زنند، به‌عنوان داوطلب ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کنند. در کشوری که ثبت‌نام کودکان خردسال در مهدکودک، نیاز به مدارک و شرایط مقتضی‌ای دارد، چگونه است که ثبت‌نام آمادگی در جایگاه و مقام شخص دوم مملکت و رئیس قوه مجریه و حافظ قانون اساسی، صرفا با یک شناسنامه امکان‌پذیر است تا ابهت و اهمیت چنین مقامی تا این حد دست‌خوش مضحکه قرار گیرد؟

لطفا به این جماعت نخندید. اینها شهروندانی از جامعه ما هستند که به هر دلیلی، دوست دارند مقابل دوربین رسانه‌ها قرار گیرند یا در پندارشان، خود را بسیار مهم می‌انگارند. مشکل، اینها نیستند. در جایی که فردی با سابقه هشت‌ساله ریاست‌جمهوری همراه با دو رفیقش، دست به اقداماتی می‌زند که یاران و منصوبان خودش، امروزه با صفت سخیف از آنها یاد می‌کنند، دیگر چه حرجی به این مردمان است؟ اینها مشکل نیستند. مشکل کسانی هستند که می‌توانند در فرصت‌های کافی، دست به اصلاح قوانین مربوطه بزنند و همچون هر کشور مترقی دیگری، فرایند حقوقی دموکراسی را در ثبت‌نام داوطلبان، با ابزاری متین و معقول رقم بزنند و این کار را انجام نمی‌دهند و هر چهار سال، نمایش گسترده‌ای از سخافت و مضحکه را فراهم می‌کنند که متأسفانه آواز‌هاش هم فراتر از مرزهایمان می‌رود و در خبرگزاری‌های جهانی منتشر می‌شود و حیثیت ملی‌مان را مخدوش می‌کند. متولیان وزارت کشور و نمایندگان مجلس، می‌توانند با انجام وظایف خود دراین‌باره، از تکرار این شوی تکرارشونده در هر چهار سال جلوگیری کنند. قضیه خیلی دشوار هم نیست. قراردادن برخی شروط مربوط به اعتبارات حقوقی و عمومی مقتضی، می‌تواند تا حد زیادی در تعطیلی این نمایش مؤثر باشد. این، هیچ ربطی هم به موضوع نظارت استصوابی ندارد. آن بحثی جداست. این یک مکانیسم مدنی معقول است که همه‌جای دنیا و در دموکرات‌ترین کشورها هم صورت می‌گیرد. لطفا نخندید. بازتاب موقعیتی جفتن از جانب عده‌ای معدود که در رسانه‌های خارجی، تغییر به ماهیت موقعیت ملی‌مان می‌شود اصلا خنده‌دار نیست. به‌جای بازنشر تصاویر این افراد در شبکه‌های اجتماعی، به مسئولان ذی‌ربط یادآور شویم وظیفه سازمانی خود را در اصلاح قوانین جدی بگیرند.

تانتخابات

«عقلانیت» کلید یک انتخاب درست

حال اما نوبت یک برنامه داخلی برای رسیدگی به موضوعات درونی کشور است؛ حالا وقت استفاده جدی از عقلانیت برای یک انتخاب درست است. انتخابی که بتواند ما را با دولتمردانی مواجه کند که با عزم راسخ برای بهبود اوضاع آمده‌اند نه بازگشت به نقطه قبل. پس از چهار سال که دولت در کار حل مشکلات به‌وجودآمده از سوی دولت قبل و بهبود روابط ایران و دنیا بود، حالا نوبت پرداختن به آینده در پیچه امور داخلی کشور است. رسیدگی به وضع معیشت و اشتغال، رسیدگی به حوزه فرهنگی و ایجاد یک سیاست‌گذاری واحد در این عرصه، تزریق بودجه‌های لازم به پیکره بی‌توانی به اسم سینما و حل معضلات اجتماعی برآمده از وضع نه‌چندان خوب اقتصادی مردم، نیازمند یک دولت خوب است. دو دولت خوب نیازمند یک انتخاب درست و انتخاب درست تنها با محوریت عقلانیت امکان‌پذیر است.

نگاه

بازآفرینی شوراها



نسیم انتخابات شوراها که می‌وزد، طیفی از کاندیداها با دیدگاه‌های فکری، سیاسی و اجتماعی و تیپ‌های شخصیتی و اخلاقی متفاوت قد علم می‌کنند که می‌توان در یک دسته‌بندی به سه گروه از آنان اشاره کرد: گروه نخست افرادی جاهلطب هستند که فارغ از هر مشرب فکری و سیاسی، خود را در همه حال محق برخورداری از موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی می‌دانند و وقتی در قوای سه‌گانه جایگاهی ندارند، برآن‌اند که حداقل در شوراها سهمی برای حضور داشته باشند و برای این منظور چنان از نسیم انتخابات به وج می‌آیند که گویی انواع ویتامین‌های انسرژی‌زا را یکجا تزریق کرده‌اند. گروه دوم حضور در شورا را فرصتی برای کسب موقعیت فردی و اجتماعی خود می‌انند. قصد، یا بهره‌مندی از رانت‌های اطلاعاتی و ارتباطی بهتر است، یا کسب موقعیت‌های بیشتر اقتصادی یا رسیدن به سکویی برای پرتاب به موقعیت‌های برتر سیاسی.

گروه سوم اندک نیروهای مردمی هستند که مسئولیت اجتماعی برای حضور، حساسشان کرده است. هرچند از این اندک هم هستند کسانی که پس از مدتی با استناد به محدودیت‌های ساختارهای سیاسی می‌گویند کاری نمی‌توان کرد. تجربه این سال‌ها هم نشان داده که دو گروه اول به تناسب موقعیت اقتصادی شخصی یا بهره‌مندی از منابع بخش‌های دولتی و عمومی، کوی تبلیغ را به دست می‌گیرند. مهم نیست که صاحب چه توانایی و قابلیت‌هایی هستند و مهم نیست که چه اثر و کارکردی خواهند داشت، مهم برایشان رسیدن به موقعیت مطلوب خویش است. از همین رو و با ورود چنین افرادی، شورا اثربخشی خود را از دست می‌دهد. اعضا یا سرگرم امور شخصی خود می‌شوند، یا با هم بر سر منافع درگیر می‌شوند یا خنثی باقی می‌مانند.

واقعیت آن است که شوراها را به‌عنوان پایگاهی برای انجام امور به دست مردم و تضمینی برای سلامت جامعه شناخته‌ایم و بی‌اور داریم. میرانی از مرحوم طالقانی که کلام خود را با جمله «بگذارید مردم مسئولیت پیدا کنند» (آخرین نمازجمعه ۱۶ شهریور ۱۳۵۸) به پایان رسانید. چنین شوراهایی به انسان‌های حرفه‌ای صاحب پیش و دانش و منشی نیازمند است که بتوانند با اتکا بر دو عنصر مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی نقش ایفا کنند و به شوراها جان ببخشند.

شوراها در این هویت واقعی می‌توانند به وظایف تصویبی، نظارتی و مراقبتی، قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری و برنامه‌ای عمل کنند. نشانی از برنامه‌ریزی برای مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی، آموزشی و امور رفاهی با دستگاه‌های ذی‌ربط (بند پنج وظایف شورای شهر) نمایان خواهد شد. جلب همکاری انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی، امدادی و ارشادی در خدمات شهری (بند هفت) نه در شعار و گرماگریم انتخابات که در صحنه عمل محقق خواهد شد. این مسیر با بازی‌های سرگرم‌کننده و هیجان‌های لحظه‌ای به مقصد نمی‌رسد، انسان‌هایی صاحب درک و دانش و تجربه مثبت می‌طلبد، تفکری توسعه‌گرا و آینده‌نگر همراه با سلامت و جسارت و دغدغه اجتماعی می‌خواهد. غربالگری چنین افرادی از خیل داوطلبان سخت است اما هم‌اینان می‌توانند نقش واقعی شوراها را به‌عنوان نهاد تأثیرگذار اجتماعی احیا و مفهوم آن را بازآفرینی کنند.

رویداد

هر دقیقه ۹ طلاق

کشور گام برداشت». هرچند به نظر رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی زیرساخت‌ها برای ازدواج جوانان در کشور فراهم نیست؛ اما تصریح کرد: «مشکلات اقتصادی و بی‌کاری مهم‌ترین عامل ری‌بختی جوانان به امر ازدواج است». طبق آخرین آمار منتشرشده در اطلس وضعیت زنان و طرح آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۴ و کاتال مرکز آمارسنجی دانشجویان ایران، نرخ بی‌کاری مردان ۹٫۳ درصد و نرخ بی‌کاری زنان ۱۹٫۴ درصد است. در میان استان‌های کشور، خراسان جنوبی پایین‌ترین و کهگیلویه‌وبویرواحمد با ۳۳ درصد، بالاترین نرخ بی‌کاری زنان را در کشور دارد. در کل کشور نیمی از زنان تحصیل‌کرده دانشگاهی که در جست‌وجوی کارند، به شغلی دست نیافته‌اند. از میان زنان شاغل ایرانی نیمی از آنها در بخش غیررسمی کار می‌کنند. اما بدترین بخش این آمار، این نکته است: تنها یک درصد از زنان شاغل کشورمان، به‌عنوان کارفرما مشغول کار هستند. با این مسائل به نظر می‌رسد راه پربخ و خمی در انتظار جوانان ایران است؛ چه برای زندگی و چه برای کار که نیازمند تدبیری ویژه است.

باید جامعه‌شناسان پاسخ دهند؛ به‌ویژه در این روزها که رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس به خانه ملت گفت: «هر دقیقه ۹ طلاق در کشور ثبت می‌شود». سلمان خدادادی با بیان اینکه امروزه شاهد افزایش طلاق، افزایش سن ازدواج و کاهش طول سال‌های زندگی هستیم، افزود: «در گذشته فاصله ازدواج و طلاق پنج تا هفت سال بود؛ اما متأسفانه اکنون این فاصله به سه تا پنج سال رسیده که جای بسی نگرانی است». او گفت: «متأسفانه در تهران ۵۰ درصد ازدواج‌ها منجر به طلاق می‌شود. البته در یک سال گذشته در برخی استان‌ها با توقف رشد طلاق روبه‌رو بودیم که جای خوشحالی دارد». رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس با بیان اینکه با اقدامات مناسبی که در کشور انجام شد، در ۱۲ استان کشور با توقف رشد طلاق مواجه هستیم، ادامه داد: «در استان یزد به دلیل فرهنگ‌سازی، انجام مشاوره و توجه به مشکلات اقتصادی، با توقف رشد طلاق روبه‌رو بوده‌ایم که می‌طلبد با رفع مشکلات اقتصادی و مشکلات سد راه ازدواج جوانان و زندگی زوجین، برای توقف آمار طلاق و افزایش ازدواج در کل

شرق؛ در کاتال تلگرامی جامعه‌شناسی مطلبی منتشر شده و به دو تحقیق پیمایشی اشاره شده است که دکتر سراج‌زاده و همکاران‌شان در سال‌های ۸۲ و ۹۴ در بین کل دانشجویان دانشگاه‌های دولتی انجام داده‌اند. یکی از بخش‌های جالب تحقیقات آنها در باب نگرش‌های دانشجویان به ازدواج و انتخاب همسر است. بر اساس این تحقیق، در هر دو موج، یعنی سال‌های ۸۲ و ۹۴، دختران بیشتر معیارهای عقلانی و اقتصادی را مدنظر داشته‌اند. به عبارت دیگر، دختران دانشجو بیشتر دنبال همسری ثروتمند، با تحصیلات بالا، شهرت خانوادگی و درعین‌حال متدین هستند؛ اما پسران بیشتر دنبال زنانی زیبا، خنده‌دار و دلباخته هستند. این تحقیق تفاوت‌های نگرشی عمیقی را بین دختران و پسران در انتخاب همسر نشان داده است. با این حساب، می‌توان درباره این پرسش تأمل کرد که چرا این تفاوت بین دختران و پسران وجود دارد؟ و چگونه می‌توان این تفاوت را توضیح داد؟ آیا زنان از طریق شوهرانشان برای تغییر جایگاهشان خیز برداشته‌اند و مردان بیشتر به موقعیت‌هایی که خود می‌آفرینند، تاکید می‌کنند؟ این سؤالاتی است که